

تامین مزد و حقوق واقعی کارگران و زحمتکشان در گرو مبارزه متشکل متحد و آگاهانه آنان است

جمشید مهر

"شورای عالی کار همه ساله موظف است، میزان حداقل مزد کارگران را برای نقاط مختلف کشور ویا صنایع مختلف با توجه به معیارهای ذیل تعیین نماید .

۱ - حداقل مزد کارگران با توجه به در صد تورمی که از طرف بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران اعلام می شود
۲ - حداقل مزد بدون آنکه مشخصات جسمی و روحی کارگران و ویژگی های کار محول شده را مورد توجه قرار دهد باید به اندازه های باشد تا زندگی یک خانواده ، که تعداد متوسط آن توسط مراجع رسمی اعلام می شود را تامین نماید .

در ماه های پایانی سال ۱۳۸۲ شورای عالی کار جمهوری اسلامی تصمیم گرفت تا حداقل دستمزدها را "واقعی" کند . و به اصطلاح با رعایت سه جانبه گرایی (که اصولاً یک جانبه گرایی است . زیرا نه خانه کارگر و نه شوراهای اسلامی کار و نه تشکل های دست ساز وزارت کار هیچکدام نماینده کارگران ایران نیستند). فاصله دستمزد را با سطح حداقل معیشت و خط فقر بگونه ای ترمیم کند. یعنی حداقل دستمزد کارگران در سال ۸۳ را تا سطح حداقل دستمزد سال ۱۳۵۸ برسانند . بر اساس توافق گروه های این شورا حداقل دستمزد کارگران برای سال ۱۳۸۳ مبلغ ۲۰۷ هزار تومان تعیین گردید . و علاوه بر آن توافق شد تا با توجه به خلاء یک میلیون ریالی موجود (حداقل دستمزد قابل پرداخت در سال ۱۳۸۳ مبلغ ۱۰۶ هزار تومان اعلام شد .) میان دستمزد و سبد هزینه یک خانواده ۵ نفری و تورم اعلام شده از سوی بانک مرکزی، حداقل دستمزد طی چهار سال هر سال با افزودن ۲۵ هزار تومان به مبلغ نرخ تورم اعلام شده از سوی بانک مرکزی ترمیم گردد . همچنین دولت نیز باید از رشد تورم جلوگیری کند . به عبارت دیگر مبنای محاسبه حداقل دستمزد کارگران در سال ۸۳ به ظاهر بر مبنای حداقل حقوق سال ۱۳۵۸ در نظر گرفته شد .

محبوب دبیر کل خانه کارگر در خصوص عدم پرداخت یک باره عقب ماندگی حداقل دستمزد و ترمیم آن در طی چهار سال آینده می گوید « توافق سال گذشته شورای عالی کار مبنی بر تقسیم مبلغ یک صد هزار تومان فاصله خط فقر با حداقل دستمزد کارگران را که می بایست طی چهار سال بر تورم سالیانه افزوده و به حداقل حقوق کارگران افزوده شود برای حفظ نظام و جلوگیری از نابسامانی اقتصادی، پذیرفتیم ». (ایلنا ۱۳۸۴/۰۱/۰۹)

خواجه نوری معاون وزیر کار در خصوص توافق سال گذشته و این که چرا مبلغ عقب افتاده را یکباره پرداخت نمی کنند ، می گوید: « از آنجایی که جبران این عقب افتادگی بار مالی سنگینی را برای کار فرمایان در پی داشت ، تصمیم گرفتیم این مبلغ را طی ۴ سال آینده پرداخت کنیم ». (ایلنا ۱۳۸۳/۰۷/۲۶)

از آن بتوانند زندگی شرافتمندانه و در خوری فراهم کنند، محروم کرده است . در حال حاضر گروه وسیعی از کارگران بطور میانگین از ۶ ماه تا یک سال حقوق دریافت نکرده اند و باحقوق ماهانه به موقع پرداخت نمی شود. کارگاه ها و کارخانجات فعال با هزارو یک ترفند از تولید باز می مانند و درشان تخته می شود. دچار تعدیل ساختاری و یا تغییر ساختار صنایع می شوند. و یکی در پی دیگری تعطیل و کارگزارانش دچار بازخرید های اجباری و به امان خدا روانه خیابان می گردند . همه اینها چهره دیگر این تهاجم و تعرض را نشان می دهد. در همین مهراه گذشته فوریت طرحی در مجلس جمهوری اسلامی به تصویب رسید که بر اساس آن کلیه کارگران با قرارداد های موقت کار، از شمول قانون کار خارج خواهند شد و بر مبنای این طرح روابط و مناسبات بین کارگر و سرمایه دار و کارفرما، بر اساس تراضی طرفین و قرار دادهای دسته جمعی است .

در شرایطی که کارگر برای زنده ماندن خود و خانواده اش متاعی جز نیروی کارش برای فروش ندارد. و هیچ قانون و مرجعی از وی حمایت نمی کند و از تشکلی مستقل و مقتدر نیز برخوردار نیست، چگونه می توان به دستمزد واقعی دست یافت ؟

در طی دو دهه گذشته رژیم جمهوری اسلامی و سرمایه داران بدلائیل مختلف از پرداخت و افزایش حداقل حقوق کارگران جلوگیری کرده و کارگران حقوقی کمتر از حداقل معیشت و نیازهای خود و خانواده شان دریافت کردند . البته افزایش قیمت ها و تورم رسمی و غیر رسمی توسط سرمایه داران و دولت ضد کارگری هم چنان سیر صعودی داشته است. در نتیجه هر سال بر فقر و محرومیت آنان بیش از سال پیش افزوده شد . بگونه ای که حداقل دستمزد بشدت نسبت به سبد هزینه و خط فقر عقب مانده است. محبوب دبیر کل خانه کار می گوید در حال حاضر متوسط دستمزدها فقط ۴۰ درصد میزان سال ۵۸ را به خود تخصیص داده است» و بنا به اظهارات « اصغر برشان » عضو شورای عالی کار، بررسی ها نشان می دهد که کارگران در حال حاضر، معادل ۶۰ درصد حقوق ۲۵ سال قبل دریافت می کنند: مزد سال ۱۳۵۸ روزانه ۵۶۷ ریال بوده که این رقم حدود ۶۰ درصد هزینه زندگی کارگران را تامین می نمود .

ماده ۴۱ قانون کار جمهوری اسلامی چگونگی تعیین و میزان حداقل دستمزد را این گونه بیان می کند .

تامین زندگی شرافتمندانه، برخورداری از حق کار، رفاه نسبی، شرایط زندگی بهتر، مسکن، حق آزادی تشکل و فراهم کردن امکان تحصیل و رشد اعضاء خانواده کارگران و زحمتکشان و تحقق و تامین اجتماعی و برقراری عدالت اجتماعی از آرزوهای بزرگ کارگران و زحمتکشان ایران بوده و می باشد .

اما تهاجم و تعرض گسترده سرمایه داران و رژیم جمهوری اسلامی بعنوان بزرگترین کارفرمای کشور در طی ۲۶ سال گذشته چنان کارگران و زحمتکشان را در موضع تدافعی قرار داده و چنان روزگار سیاه و دهشتباری را برای آنان رقم زده است که گزاف نیست اگر بگوییم اینک مبارزه مرگ و زندگی در این مرزو بوم جریان دارد . به روشنی می توان گفت چه به خواهیم و چه نخواهیم موضوع حفظ شغل و حداقل دستمزد و تامین حداقل نیاز های معیشتی زندگی کارگران و زحمتکشان به مهمترین مساله آنان تبدیل شده و دیگر مسایل و موضوعات را تحت الشعاع قرار داده است .

کاربدستان جمهوری اسلامی در پی این تعرض و تهاجم توانسته اند تا هرج و مرج را جایگزین قانون واز جمله قانون کار کنند و کرده اند قراردادهای موقت یک ساله ، ۶ ماهه ، ۸۹ روزه ، قراردادهای سفید امضاء و حتی یک ماهه و ۱۵ روزه و ۶ روزه بیانگر گوشه ای از این تعرض و تهاجم است . در حالی که هم اکنون بیش از ۵۰ در صد کارگران (برخی آمار های رسمی این رقم را بیش از ۶۰٪ اعلام می کنند) تحت قراردادهای موقت به کار اشتغال دارند . کارگران بسیاری با مزدهای بسیار نازل تر از حداقل دستمزد اعلام شده در مناطقی مانند عسلویه، در شهرهای استان خراسان، در استان قم و مشغول بکار هستند و در برابر ۱۰ تا ۱۲ ساعت کار روزانه، دستمزدی کمتر از ۷۰ هزار تومان دریافت می کنند .

« در ایلام ، کارگرانی هستند که هنوز ۷۰ هزار تومان در ماه حقوق می گیرند ؛ از این روی ، زندگی آن ها دیگر از خط بقا هم گذشته و زیر صفر به سر می برند». (ایلنا ۲۳ بهمن ۸۳) گسترش و تشدید بحران بیکاری و فراهم آمدن ارتش بیکاران، بیشتر از ۵ میلیون نفر بخصوص جوانان زنان و بویژه فارغ التحصیلان دانشگاهی را با این معضل دست به گریبان نموده و آنان را از حق قانونی خود یعنی حفظ موقعیت و امنیت شغلی و یا داشتن کار مناسب که با درآمد حاصل

برای آزادی شکل های کارگری

کمیته پیگیری ایجاد شکل های آزاد کارگری در ایران

پنجشنبه ۲۲ بهمن ۱۳۸۳ - ۱۰ فوریه ۲۰۰۵ به:

- وزارت کار و امور اجتماعی
- سازمان های کارگری در سراسر جهان
و سازمان بین المللی کار LOI:

امروزه در ایران حدود نیمی از کارگران با قراردادهای موقت کار و حتی با برهه های سفید امضا در بی حقوقی مطلق مشغول به کارند. طبق پیش بینی های رسمی، کارگرانی که با قراردادهای موقت به کار گرفته می شوند، طی چند سال آینده ۹۰ درصد از کارگران شاغل را در بر خواهند گرفت. از سوی دیگر قانونگذاران در ایران به دنبال خارج کردن کارگاه های دارای کمتر از پنج و ده نفر (خروج از شمول سی ماده قانون کار) و کارگران قالیباف از شمول قانون کار، در پی محروم کردن کامل همه کارگران موقت از حداقل تأمین اجتماعی می باشند. در این شرایط سازمان جهانی کار با اعزام نمایندگان به ایران و نظارت به امضای تفاهم نامه ای در خصوص اصلاحاتی در فصل ششم قانون کار موجود (در رابطه با شکل های کارگری) که بدون حضور نمایندگان مستقل کارگران انجام گرفته، در کمال تأسف عملاً بر بی حقوقی کارگران در ایران صحنه گذاشته و به این وسیله به آن رسمیت بخشیده است. قطعاً کارگران ایران که به دلیل محرومیت از داشتن شکل های مستقل خود همواره شاهد تحمیل قوانین ضد کارگری و مغایر با مقاله نامه های سازمان جهانی کار (ILO) بوده اند، تفاهم نامه ای را که نمایندگان آنها در تنظیم و امضای آن حضور نداشته اند، به رسمیت نخواهند شناخت.

لذا ما امضاکنندگان زیر خواهان به رسمیت شناختن آزادی ایجاد شکل های مستقل کارگری هستیم. در این راستا ضمن درخواست از وزارت کار و امور اجتماعی جهت رفع موانع تشکلی یابی کارگران و به رسمیت شناختن نمایندگان مستقل کارگران جهت حضور در تمامی نشست های مربوط به تدوین قوانین مرتبط با کار از سازمان های کارگری نیز در سراسر جهان می خواهیم تا از خواست های برحق کارگران ایران حمایت نمایند. همچنین از همکاران خود در این سازمان ها و سایر مجامع بین المللی کارگری می خواهیم تا از سازمان جهانی کار بخواهند که به رسمیت شناسی و نظارت به امضای هر گونه تفاهم نامه مربوط به قوانین کارگری در ایران را، منوط به حضور نماینده های مستقل کارگران (از طریق تصمیمات جمعی کارگران) و استفاده از ابزارهای لازم جهت نظارت بر این انتخابات، بنمایند.

کمیته پیگیری ایجاد شکل های آزاد کارگری در ایران

اساس یک واقعیت عینی جریان می یابد و به یک مساله دایمی و همدمند تبدیل می شود. در این مبارزه کارگران اساس مخالفت و ضدیت سرمایه داران و دولت حامی آن را در بهبود وضعیت اقتصادی خود کاملاً عینی و ملموس می بینند و آنان را برای مبارزه جدی تر می کند. مبارزه برای افزایش دستمزدها در شرایطی که حداقل دستمزدها هیچگونه تناسبی با تورم و گرانی سرسام آور موجود ندارد و با حداقل هزینه های زندگی سه تا چهار برابر فاصله دارد، می تواند به مبارزه ای سازمان یافته، آگاهانه، هماهنگ، سراسری و علنی تبدیل شود.

افزایش دستمزد خواست فوری کارگران، معلمان، پرستاران و دیگر زحمتکشان است. مبارزه متشکل و آگاهانه و سراسری آنان برای افزایش دستمزد می تواند این رژیم را مجبور به عقب نشینی نماید.

خانه کارگر و نعل وارونه

خانه کارگر بنا به ماهیت خود و از آنجا که یک شکل سیاه دولتی و ضد کارگری است. و همواره سعی در همسو نشان دادن خود با مبارزات و اعتراضات کارگران داشته است، تا بگونه ای مانع از تحول و گسترش این مبارزات در مسیری مستقل گردد. خانه کارگری ها خود می گویند «فقط به خاطر مصالح نظام و همراهی با دولت و مجلس میزان افزایش دستمزد را پذیرفته اند.». «محبوب برای فریب کارگران نقش فریب خورده ها را بازی می کند و علیرغم این که خود و خانه کارگر بعنوان گروه کارگری در جلسات شورایی کار شرکت داشته اند جلسه این شورا را برای تعیین دستمزد سال ۱۳۸۴ «سراسر فریب و دورغ» می خواند و می گوید گروه کارفرما و دولت تعهدات خود را نقض کرده اند. با توجه به نزدیک بودن انتخابات ریاست جمهوری و انتخابات میان دوره ای مجلس مساله عدم افزایش دستمزد کارگران را به عهده دولت و کارفرمایان می گذارد. حسن صادقی از مجلس می خواهد که دولت را بخاطر «خودسری» اش ادب کند.

خانه کارگری ها همه تلاش خود را بکار گرفته اند تا با گفتن «آی دزد، آی دزد» چهره خود را پنهان کنند و خود را رفیق قافله و نماینده کارگران قلمداد کنند. «محبوب و صادقی و دیگر خانه کارگرها خوب می دانند که حتی اگر دولت و سرمایه داران با افزایش دستمزد مورد نظر آنان موافقت کنند، کارگران نیروی کارشان را به حداقل ترین و نازل ترین قیمت در بدترین شرایط فروخته اند. حداقل دستمزد کارگران در حد دستمزد سال ۱۳۵۸ به هیچ وجه نشانی از بهبود و ارتقا سطح زندگی آنان نسبت به ۲۶ سال قبل نیست. و مبارزه آنان برای تحقق دستمزد واقعی متوقف نمی کند.

تعیین حداقل دستمزد برای سال ۱۳۸۴ علیرغم توافقات سال قبل در شورای عالی کار به دلیل توازن قوای موجود میان گروه های این شورا و همچنین مساله انتخابات ریاست جمهوری و انتخابات میان دوره ای مجلس روال دیگری را طی کرد. بر خلاف سال های گذشته تا روز ۱۹ اسفند شورای عالی کار جلسه ای برای تعیین حداقل دستمزد برگزار نکرد. معاون روابط کار وزارت کار عدم حضور نمایندگان کارفرمایان را علت تعویق در برگزاری اجلاس شورای عالی کار اعلام کرد. عطاریدیان رئیس هیات مدیره کانون عالی انجمن صنفی کارفرمایان با انتقاد از عدم نظارت نمایندگان این تشکل در روند نحوه توزیع بن کارگری و غیر قابل قبول دانستن آن، در جلسات شورای عالی کار حاضر نشد و خانه کارگر را مانع حل مشکلات موجود بر سر راه تعیین حداقل دستمزد دانست. خواجه نوری معاون وزیر کار گفت عدم حضور نمایندگان کارفرمایان موجب عدم تصمیم نخواهد شد. خالقی وزیر کار گفت جلسه شورای عالی کار با اکثریت اعضا تشکیل و تصمیمات آن با رای اکثریت معتبر خواهد بود. در پایان آخرین جلسه شورای عالی کار با حضور گروه کارگر، کارفرما و دولت، مبلغ افزایش دستمزد سال ۸۴ با احتساب ۱۵ درصد تورم سالیانه که از سوی بانک مرکزی اعلام شده، مبلغ ۱۲۲ هزار و ۵۹۲ تومان تعیین گردید. همچنین مبلغ ۲ هزار تومان نیز به بن کارگران افزوده و مبلغ آن به ۴ هزار تومان افزایش یافت. بر طبق مصوبه سال قبل حداقل دستمزد می بایست ۱۶۲ هزار تومان تعیین می شد. بار دیگر تجربه نشان داد که حکومت اسلامی حتی به مصوبات خود نیز پایبند نمی ماند. خواجه نوری معاون وزیر کار می گوید: «که در سال جاری به دلیل مصوبه مجلس شورای اسلامی در مورد تثبیت قیمت ها، هماهنگی به عمل آمد که این تفاوت طی ۶ سال آینده پرداخت شود.» (ایلنا ۱۳۸۳/۱۲/۲۶). به عبارت دیگر منافع و حقوق کارگران به دلیل اختلاف و کشمکش های دولت، مجلس، سرمایه داران و وزارت کار به سادگی پایمال و مورد تعرض قرار می گیرد.

ضرورت مبارزه برای افزایش دستمزدها

اگر چه دامنه شمول افزایش دستمزد ها محدود است و فقط شامل کارگران مشمول قانون کار می شود. و با توجه به گفته مدیر کل روابط کار وزارت کار ۹۲٪ کارگاه های کشور به صنفی تعلق دارند که تحت کارگاه های زیر ده نفر تعریف می شوند و از شمول قانون کار خارج شده اند. ولی مطمئناً از اهمیت مبارزه برای افزایش دستمزدها بهیچ وجه کاسته نمی شود. چرا که مبارزه کارگران برای افزایش دستمزد بر